

مبارزات کارگران نیشکر هفت‌تپه و موقعیت امروز جنبش مطالباتی!

امیرجواهری لنگرودی

اگوست ۲۰۲۰



در حالی که دور جدید اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه در شوش نزدیک به پنجاهمین روز خود را سپری می‌کند. موج کارگران هپکو در چندمین روز اعتصاب، تحرکات کارگران خدمات ریلی در مناطق مختلف کشور نیز که بارها به دلیل عقب افتادن ماه‌ها حقوق دست از کار کشیده‌اند به این مجموعه اضافه شده است. موج اعتراضات بازنشستگان و معلمان نهضت سوادآموزی و کارگران شهرداری‌ها بار سربالی اعتراضات را در نقاط مختلف کشور علیه شرکت‌های پیمانکاری بر دوش می‌کشند. کادر درمانی کشور پای ثابت اعتراض در دوران کرونایی‌اند. درست در چنین وضعیتی با موج بزرگ اعتصابات کارگری به ویژه کارگران نفت و پتروشیمی و گاز مناطق جنوب کشور روبرو هستیم که این اعتصابات و اعتراضات نشان دهنده‌ی مرحله‌ی جدیدی از عروج جنبش کارگری ایران است. حرکت کارگران هفت تپه را در متن چنین شرایطی باید مورد واریسی قرارداد. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال ۱۳۴۰ در محدوده‌ی باستانی هفت تپه و بر روی آثار به جا مانده از تمدن عیلام بنا شده است. این شرکت در نزدیکی شهر تاریخی شوش دانیال است.

این شرکت در روزهای جنگ دچار ضربه‌های سنگینی شد؛ اما با پایان جنگ به روزهای خوب خود بازگشت. این روزها ادامه داشت تا جایی که تولید آن به ۱۰۰ هزار هکتار محصول زیر کشت رسید. در سال ۸۶ به واسطه تصمیم غلط دولت احمدی‌نژاد نخستین ضربه مهلک به هفت تپه وارد شد. دولت تعرفه واردات قند و شکر را از ۱۵۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش داد. با این تصمیم، ناگهان سیلی از واردات قند و شکر به میزان ۵ میلیون تن ما بین سال ۸۶ تا ۸۸ به کشور وارد شد. این درحالی است که نیاز کل کشور به قند و شکر در سال دو میلیون تن بود. از آن زمان روزهای سخت شرکت نیشکر هفت تپه آغاز شد. روند تولید نیشکر به یک باره از ۱۰۰ هزار تن به ۱۰ هزار تن کاهش یافت. با

کاهش تولید، حقوق کارگران به تعویق افتاد و نارضایتی کارگری آغاز شد. با استمرار روند نزولی تولید در شرکت، پیشنهاد واگذاری به بخش خصوصی مطرح شد.

بعد از کش و قوس فراوان در بهمن ۱۳۹۴ شرکت به دو نوجوان ۲۷ ساله و ۳۱ ساله واگذار شد. در این واگذاری دولت به هیچ وجه به فکر بازسازی نبود بلکه رهاسازی کرد. دولت باید آن را به سود رسانی می‌رساند نه این که حراج می‌کرد. دولت این شرکت را به حال خود رها کرده است و سازمان خصوصی‌سازی هیچ نظارتی بر وضعیت کار این شرکت عظیم نداشت. در بحث هفت تپه تخلفات بسیاری صورت گرفته به طور مثال این شرکت با یک‌دهم قیمت واقعی‌اش به فروش رفته است. در جریان واگذاری نیز بسیاری از افرادی که دارای اهلیت بودند را با تبصره و قانون من درآوردی حذف کردند.

با خصوصی‌سازی شرکت نیشکر شرایط کارخانه و کارگران روز به روز بدتر شد. به طوری که سال ۹۴ شرکت هفت‌تپه حدود ۵۷ هزار تن شکر سفید تولید می‌کرد و حدود هشت هزار و ۶۰۰ هکتار سطح زیر کشت داشت در حالی که امروز میزان تولید شکر به ۱۹ هزار تن شکر زرد رسیده است و سطح زیر کشت آن به ۶ هزار و ۳۰۰ هکتار کاهش یافت.

جدا از این، از آن سال به این طرف بالغ بر ۲۷۰ پرونده قضایی در طول ۴ سال برای کارگران تشکیل شده است و به این ترتیب خوزستان را به موقعیت و محیط امنیتی تبدیل کردند و این هنر همین حضرات اسد بیگی‌هاست. به بهانه‌ی امنیتی خواندن استان، خاصه شوش سبب شده که کارگران حاکمیت برای حل مسئله ورود نکنند. امروز کارگران خواهان برداشتن چنین مانعی‌اند تا به خواست‌ها و انتظارات کارگران هفت تپه توجه شود. کارگران می‌گویند: اعتصاب، برای دریافت حقوق معوقه، حق کارگر است ولی هر بار که ما تجمع کردیم به بهانه‌ی امنیتی بودن وضعیت، ریختند و گرفتند و پرونده ساختند. به طوری که از سال ۹۴ به این طرف ما حتی یک بار هم یک حقوق را بدون اعتصاب نگرفتیم. باید گفت؛ آن چه در پهنه رودرویی با سیاست حاکمیت در کل صنایع و بخش خدمات حول خصوصی‌سازی و شرکت‌های پیمانی صورت می‌گیرد تلاشی‌ست که در هفت تپه جهت خلع ید نشدن خاندان اسد بیگی‌ها فراهم آمده است. نماد سیاست‌های شکست خورده‌ی خصوصی‌سازی رانتی است که از دهه ۷۰ شروع شد و در دولت روحانی با قوت تمام ادامه یافت. در این پیکار و در این کار، کارگران هفت تپه به دو سویه چانه زنی در بالا و مبارزه در پایین سخت مشغولند. استمرار این مبارزه و عقب نشینی نکردن بعد از دو ماه اعتراض همه‌ی سردمداران حاکمیت پای‌شان به شوش باز شده و همه دنبال اهلیت می‌گردند. در این میان، با پس زدن مترسک خود کاشته‌شان (اسد بیگی)، برای جایگزین ساختن او، به ارائه‌ی راه حل واگذاری به سپاه، ستاد اجرایی فرمان امام و قرارگاه خاتم الانبیا و سازمان تامین اجتماعی مبادرت ورزیده که هفت تپه به یکی از این‌ها واگذار شود. در مقابل کارگران می‌گویند: ما واگذاری به بخش خصوصی خوب، به نیمه دولتی، نیمه خصوصی، به ارگان‌های با «سابقه تعاونی درخشان» نمی‌خواهیم. کارگران هفت تپه در دل خواسته‌های مرکب خویش (خلع ید فوری کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی از هفت تپه، پرداخت فوری حقوق‌های معوقه و تمدید دفترچه بیمه، بازگشت به کار فوری برای همکاران اخراج شده، بازداشت فوری اسد بیگی و مجازات حبس ابد برای اسدبیگی و رستمی، بازگرداندن فوری ثروت‌های اختلاس شده به کارگران، پایان کار مدیران بازنشسته) می‌خواهند شرکت به دولت با نظارت کامل کارگران واگذار شود. خصوصی‌سازی از هر نوعش زحمت را کم کند و برود.

حاصل نشست سوم نمایندگان با مجلسیان و نماینده دولت حسن روحانی، وزیر اقتصاد و دارایی نشان داد که حاکمیت به فکر زمان خریدن است تا کارگران را در گرسنگی مطلق و گرمای بالای پنجاه درجه و وضعیت سخت کرونایی از پای در آورند. در همین نشست سوم قرار شد که پیگیری وضعیت اسد بیگی و واریسی مشکلات شرکت هفت تپه، را به ۱۵ روز دیگر موکول کنند. وعده‌های توخالی،

زمان خریدن و تعیین تکلیف مطالبه‌ی کارگران به باتلاق زمان، رقابت جناحی برای مصادره‌ی نارضایتی کارگران از طریق تحمیل تعاونی دارای وابسته جناحی یا حفظ مافیای اسدبیگی، بار دیگر درستی تاکید بر شعار «نه حاکم، نه دولت، نیستند به فکر ملت» را در کف خیابان‌های شوش روشن ساخت.

نتایج سه جلسه مذاکره نشان داد که کارگران تنها با تکیه بر نیروی اتحاد خود، ادامه‌ی پیگیری خواست‌های بر حق خود و برخورداری از حمایت هر چه گسترده‌تر همسرنوشتان‌شان در سایر بخش‌های جنبش کارگری و سازمان‌دهی نیرومند خویش، می‌توانند به تحقق مطالبات‌شان امیدوار باشند. به عبارتی به قول کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت‌تپه که نوشته است: «با توجه به شواهد موجود اراده‌ای در دولت برای فیصله دادن به مسئله هفت‌تپه به صورت ریشه‌ای وجود ندارد و دائماً به بهانه‌های مختلف در صدد خرید وقت برای فرار از تصمیم‌گیری نهایی است». حاصل کلام این که تنها در پرتوی مبارزه‌ی همه جانبه‌ی کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و دستیابی آن به نتیجه روشن، می‌تواند توان مبارزه‌ی کارگران هپکوی اراک، آذرباب، فولاد اهواز، ماشین‌سازی‌ها، کارخانه‌های مختلف قند، تراکتورسازی تبریز، کارگران شهرداری‌ها، بازنشستگان، معلمان و دانشجویان و تقریباً تمامی شرکت‌های پیمانکاری و نیروی انسانی تمامی شهرها و همچنین شرکت‌های خصوصی پیمانکاری راه‌آهن سراسری و وزارت راه و معادن کشور و ناوگان زمینی حمل و نقل شهری و بیابانی و آن دیگران را در دل مبارزه سراسری کارگران نفت‌گر مجتمع پتروشیمی و گاز در کنار بخش وسیع خدمات سراسر کشور و زحمت‌کشان روستایی که به کل فراموش شده‌اند، در هماهنگی و همسانی جنبش اعتراضی توده‌ای و سازمان‌یافته و سراسری پایه اصلی اعتصاب زنجیره‌ای را مدیریت کنند و نطفه‌ی اعتراض همه جانبه اجتماعی را به سامان برند. امروز بیش از هر وقتی دست آورد اعتصاب کارگران هفت‌تپه، می‌تواند پشتوانه‌ی دیگر اعتراضات واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی، در کل جامعه ما تلقی شود. در بستر چنین تحریکاتی، اعتراضات کارگران پالایشگاه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در کنار دیگر بخش‌های کارگری، گامی مهم در مسیر سراسری شدن اعتراضات کارگری و نیرومندتر شدن صدای اعتراض کارگران و مزد بگیران است. ادامه‌ی اعتصاب می‌تواند به اختلال در صادرات پتروشیمی و گاز و کمبودهای بحران‌زا در رفع نیازهای داخلی منجر شود. نباید اجازه داد تیغ سرکوب بار دیگر بر چهره‌ی هفت‌تپه و جنبش رادیکال کارگران کشیده شود.

امروز جامعه‌ی ما در شرایط دوران‌سازی قرار دارد. موج بزرگ اعتصابات کارگری به ویژه اعتصابات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی جنوب کشور، بیش از هر موقعی نیاز به همپوشانی، همگرایی و نزدیکی و عدم مصادره‌طلبی گروهی و فرقه‌ای این و آن و محترم شمردن استقلال عمل مبارزاتی این مرحله از اعتراضات و اعتصابات باید شمرده شود.

کلام آخر

اعتراضات مستمر امروز درون جامعه‌ی ما، پیش از هر چیز با چاره‌اندیشی برای سیر شدن شکم اعتصابیون و درهم شکستن تحمیل گرسنگی به آنان از سوی کارفرمایان و حاکمیت مسیر است که غالباً همراه با محاصره‌ی خبری، ارباب و سرکوب کارگران اعتصابی همراه می‌شود تا تاثیرات گرسنگی دادن به کارگران را مضاعف کند و زودتر آنان را از پا بیاندازد. به این ترتیب برخورداری از صندوق همیاری مالی اهرم مهمی در تقویت همبستگی‌های مطالبه محورانه و شکل دادن به اعتصابات مستمر و طولانی است.

مثلاً همین حالا که کارگران هفت‌تپه ۶۷ روز اعتصاب کرده‌اند و هنوز دو ماه حقوق‌شان را در بخش‌هایی گرفته‌اند، اگر همه کارگران و همسرنوشتان آنها که پای اعتصابند، در ادامه در وضعیت چنین فلاکت‌بار گیر کنند، چاره‌ای ندارند جز این که عملاً صندوق اعتصاب راه اندازند و به یاری

همدیگر برآیند و نگذارند که این اعتراضات از پا بیفتند. هر قدر این اعتراضات بیشتر ادامه پیدا کند و از همبستگی گسترده‌تر داخلی و جهانی برخوردار شود، به همان میزان سیاست محاصره‌ی کارگران توسط حاکمیت را وسیع‌تر در هم خواهد شکست. از این رو سازماندهی صندوق‌های اعتصاب و همیاری‌های مالی در خارج و داخل می‌تواند پشتوانه‌ی واقعی استمرار این مبارزات تلقی شود و بدان یاری رساند. جا دارد با گردآوری مالی و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های مورد اعتماد پیرامون خود در درون و جامعه‌ی میزبان برآییم!

آشکار است امروز نیز مبارزات توده‌ای درون کشور ما، چشم همیاری و حمایت‌طلبی، امید به همراهی همه آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان در تمام دنیا را در برابر خود دارد. در انجام این وظیفه و رسالت دوران‌ساز، از هیچ اقدامی فروگذار نکنیم!

<https://www.peace-mark.org/112-2>